

# شاعر شعرهای روان و رسا\*

## اشاره‌های به شعرهای قیصر امین‌پور

«بغض‌های کال من، چرا چنین؟

گریه‌های لال من، چرا چنین؟

جزر و مد یال آبی‌ام چه شد؟

اهتزال بال من، چرا چنین؟

رنگ بال‌های خواب من پرید

خامی خیال من، چرا چنین؟

آبگینه تاب حیرتم نداشت

حیرت زلال من، چرا چنین؟

دل مجال پایمال درد بود

تنگ شد مجال من، چرا چنین؟

خشک و خالی و پریده‌لب، دلم

کاسه سفال من، چرا چنین؟

داغ تازه تو، داغ کاغذی

داغ دیرسال من، چرا چنین؟

هر چه و همه، تمام مال تو

هیچ و هیچ مال من، چرا چنین؟

سال و ماه و روز و تو چرا چنان؟

روز و ماه و سال من، چرا چنین؟

در گذشته، سرگذشتم این نبود

حال، شرح حال من، چرا چنین؟



(۸۶-۸۴) (۲۳۷۱، ص ۱۳۸) (مجموعه شعرهای قیصر امین‌پور)

\* تلفیقی از دو اشاره در: اعتماد ملی: روزنامه (۱۷ آبان ۱۳۸۶، ص ۱۱):/براز: ویژه‌نامه (۶ آبان ۱۳۸۶، ص ۱۳).

نسل اعتراض انقراض یافت

حیف شد! زوال من چرا چنین؟

ای چرا و ای چه گونه عزیز!

جرات سؤال من، چرا چنین؟<sup>۱</sup>

**الف.** در واپسین روز شهریورماه سال ۱۳۵۹، ارتش عراق به دستور صدام حسین، حاکم مطلق وقت عراق، به کشوربان حمله کرد. او، اندکی بعد، گفت که «شمشیر عرب، افتخارات قادسیه را دوباره زنده خواهد کرد» و تأکید ورزید که ما برای فتح دوباره ایران، به رویارویی با «این مجوس‌های قرن بیستم» پرداخته‌ایم. صدام حسین از حمایت و تشویق برخی حکومت‌های غربی و عربی هم بهره‌مندی داشت. با این‌همه، آرزویش خوابی بیش نبود: ایران، هیچ‌گاه، جانبازی‌ها و دلیری‌های سربازان و رزمندگان و فرزندان خویش را در این جنگ از یاد نخواهد برد.

**ب.** اندکی پس از آغاز جنگ، عده‌ای از شاعران، آرمان‌های دینی - انقلابی خود را، که از دهه‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰ با آثاری از نعمت‌الله میرزازاده (متولد ۱۳۱۴)، طاهره صفارزاده (متولد ۱۳۱۵)، و سیدعلی موسوی گرمارودی (متولد ۱۳۲۰) به شعر فارسی راه یافته بود، به‌نوعی تلقی حماسی یا رومانتیک از جنگ عراق با ایران گره زدند. بدیهی بود که شاعران جوان جنگ بیشتر بر وجه دینی جنگ تأکید می‌ورزیدند و بسیار کم بر وجه ملی آن، و تجربه‌های کلامی آنان با ایدئولوژی مستقر در حاکمیت دینی - انقلابی همسو بود. بدین ترتیب، به‌لحاظ تاریخ ادبی، شعرهایی مرتبط با جنگ در شعر فارسی پدید آمد. طبیعی بود که برخی از گویندگان این شاخه از شعر فارسی، سنت‌گرا باشند و برخی نوگرا، و در هر دو گرایش، عده‌ای وقوف ادبی بیش‌تری داشته باشند و عده‌ای کم‌تر.

**پ.** قیصر امین‌پور (۱۳۲۸ - ۱۳۸۶) یکی از جوان‌ترین گویندگانی بود که در آغاز جنگ، به صف این شاعران پیوست. دو مجموعه تنفس صبح و در کوچه آفتاب حاصل این دوره از تکاپوهای ادبی اوست. وی در این دو دفتر، به دلیل فضای اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن دوره، در بخش‌هایی از شعرهایش به کلامی حماسی روی آورد. اما نوع تلقی او از آرمان‌های دینی و انقلابی معطوف به جنگ، بیشتر، رومانتیک بود تا حماسی. تلقی رومانتیک امین‌پور، پس از پایان جنگ، به «عشق» و «عرفان» رسید و سه دفتر بعدی او حاصل فصلی جدید و طولانی‌تر در تجربه‌های کلامی او به‌شمار می‌رود. در این دوره، آگاهی شاعر از ساختار و بیان شعری گسترده‌تر از پیش شد، و به‌ویژه، دریافت‌های ظریفی از نوعی نوگرایی اعتدالی در وزن و شکل نمایی، و گرایشی از نوسنت‌گرایی در غزل به شعرهایش راه یافت. البته، باید به یادآورد که پس از انقلاب، به‌تدریج، شعرگویی در وزن‌های نمایی در حاشیه قرار گرفت و شاعران به شکل‌های شعری حاصل از این وزن‌ها، چه در حالت شکسته و ترکیبی و چه در حالت غیر شکسته و غیر ترکیب، اقبال چندانی نشان

۱. آینه‌های ناگهان (قیصر امین‌پور، افق، ۱۳۷۲، صص ۹۹-۹۸).

شایان توجه است که یک بیت مانده به آخر این شعر در مجموعه بالا نیامده است. اما این بیت در روایت نخست این شعر (کیان، س ۲،

ند. امین‌پور از جمله معدود شاعرانی بود که در شعرگویی به رزت‌های نیمایی، از آغاز تا پایان عمر، پابرجا بود. او در راه، کم‌تر از خود نیما، و بیش‌تر از فریدون مشیری و سهراب سپهری و نادر نادرپور و فروغ فرخزاد و محمدرضا بی‌کدکنی تأثیر پذیرفت. می‌دانیم که این شاعران در آثار مهم‌شان، و نه البته، همه شعرهایشان، به بازنمایی سبک بی‌در شعر آزاد توجه داشته‌اند.

**ت.** برخی سروده‌های آغازین امین‌پور، به‌لحاظ زبان، ناهموار و از نظر ابجاز، تا حدی، ضعیف است و بهایی از تصنع ادبی نیز در شعرهای پایانی‌اش دیده می‌شود. اما در مجموع، به‌ویژه، با توجه به دو دفتر آینه‌های ناتمام و گل‌ها همه آفتابگردانند، باید تأکید ورزید که به‌لحاظ زبان و تخیل و موسیقی، شعرهایش از دو ویژگی روانی و بی‌بهره‌هایی به‌سزا دارد: امین‌پور از اواخر دهه ۱۳۵۰ تا نیمه دهه ۱۳۸۰، یعنی حدود یک‌ربع قرن، شعر گفت و اندک یک خوانندگان و علاقه‌مندان درخور توجهی را به آثارش جلب کرد. برخی از این خوانندگان و علاقه‌مندان، به دلایل برخی دیگر به دلایل اجتماعی - فرهنگی و برخی دیگر از هر دو وجه به سروده‌های او توجه یا عقیده داشتند. فارغ از دلایل و وجوه، می‌توان گفت که امین‌پور ساختار و بیان شعری نوگرایان اعتدالی را در شعر نیمایی یا آزاد، و نثر شعری نوسنت‌گرایان را در قالب غزل، به‌خوبی، می‌شناخت و در بیان تجربه‌های کلامی خود در این ساختارها دیده جلوه می‌کرد. از وی هفت مجموعه یا منتخب شعر نثر یافته است: تنفس صبح (۱۳۶۳)، در کوچه آفتاب (۱۳۶۳)، تنفس صبح (+ در کوچه آفتاب: گزیده دو دفتر، ۱۳۶۷)، آینه‌های ناگهان (۱۳۷۲)، گزیده اشعار (۱۳۷۸)، گل‌ها، آفتابگردانند (۱۳۸۰)، دستور زبان عشق (۱۳۸۶).

پاییز ۱۳۸۶، تهران